

"من مرگ را سرودی کردم"

افشین شمس قهفرخی

28 سال پیش در روز 18 فروردین 1358 خون "ناصر توفیقیان" فعال و مبارز کارگری سنگفرش خیابانهای اصفهان را رنگین ساخت. آری ناصر توفیقیان در چنین روزی در یک تجمع آرام کارگران بیکار و پروژه ای ترور شد زیرا قلبش، تمام وجودش و همه اعتقاداتش مملو از عشق به طبقه کارگر بود. از آن روز 28 سال می گذرد و زندگی و معیشت کارگران ایران نه تنها بهبود پیدا نکرده بلکه هر روز از روز پیش دهشتناک تر و تیره گون تر شده است. روزی که توفیقیان در راه آرمان های سترگ طبقه کارگر مبارزه می کرد و جان می باخت "محمود صالحی" تازه پا به میدان مبارزه نهاده بود و هیچ کس نمی دانست که سالها بعد پرچمی را که توفیقیان ها برداشته اند او به دست خواهد گرفت.

امروز این پرچم دار کارگران و زحمتکشان ایران در زندان سندانج با مرگ دست و پنجه نرم می کند. پزشک و دارو و درمان با دیالیز را از او دریغ داشته اند و رذیلانه به انتظار مرگ تدریجی او نشسته اند. شاید در طول تاریخ جنبش کارگری چنین حمله ی سبانه ای را کمتر سراغ داشته باشیم.

می خواهم بگویم با "محمد تنها" در دوران رضا شاه چنین کرده اند می بینم چنین نبوده، می خواهم بگویم با "وارطان سالاخانیان" (از فعالان کارگری کفاش) در فردای کودتای 28 مرداد چنین کرده اند می بینم باز به این شکل نبوده است، می خواهم بگویم سرنوشت محمود سرنوشت هر فعال رادیکال کارگری در دنیا است باز هم می بینم در هیچ کجا با انسان چنین نمی کنند. نمی دانم! تصور محمود در چنین حالی برایم مشکل است. آخرین بار با او در کرمانشاه بودم، زمستان گذشته... مثل همیشه رک و صریح، شوخ و پر امید! آیا امروز هم، امروز که بدنش از شدت سموم دفع نشده متورم گشته و از شدت درد به خود می پیچد نیز چنین است؟ بی اختیار به یاد شعر شاملو می افتم: "من مرگ را سرودی کردم"...

آری محمود با مرگ می جنگد و مرگ را سرودی می کند برای کارگران نانواخانه های سفز که از درون تنورهایشان آتش خشم را ورز می دهند. محمود مرگ را سرودی می سازد برای کارگران کوره پزخانه های وایگان تا از درون کوره های رنجشان خشت امید را بیرون بیاورند. مرگ را سرودی می کند برای نفتگران جنوب، قالیبافان کرمان، کودکان کار در تهران و اصفهان، برای نساجان شاهو و رحیم زاده، برای کارگران ایران خودرو و...

لحظه ای با خود می اندیشم محمود تنها نیست. محمود در بین فعالان کارگری و آزادیخواهان ایران و جهان چهره ای شناخته شده است. فرقی نمی کند که چه اندیشه ای داشته باشد اما همه وجدان و فعلیت انسانی او را تایید می کنند و بر ظلمی که بر او و خانواده اش می رود معترضند. آری محمود تنها نیست و یارانش بسیاریند اما نیاز به یک خیز بلند و همسو دارند تا برادر و رفیق خودشان را از مرگ تدریجی نجات بخشند.

خواهران ، برادران ، انسانهای آزادیخواه ! محمود صالحی در پشت میله های زندان با مرگ دست و پنجه نرم می کند زیرا به زندگی شرافتمندانه مزد بگیران عشق ورزیده است ، از درد بر خود می پیچد زیرا عمری را علیه دردهای طبقه کارگر جنگیده است. امروز او به شما و یاری شما و به صدای اعتراض شما نیاز دارد. او و خانواده اش را تنها نگذارید. در کنارش باشید و به شرایط تحمیلی و غیر انسانی او اعتراض کنید.

1386/4/18